

بررسی و تحلیل تحولات، هدف‌ها، سیاست‌ها

و مسائل و مشکلات برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش

طی سال‌های ۲۷-۱۳۷۸

نوشته حسین عبداللهی

معرفی مقاله

محدودیت منابع اقتصادی، رشد سریع جمعیت، تنوع نیازهای افراد جامعه و ضرورت دستیابی به هدف‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در هر جامعه‌ای از جمله عواملی هستند که سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان را به طرح و تنظیم برنامه‌های کلان و ملی در ابعاد مختلف وادار می‌سازند. در چارچوب برنامه‌ریزی کلان کشور، بخش آموزش و پرورش یکی از بخش‌های بسیار مهم به شمار می‌رود و در آن اهداف کلان، سیاست‌ها، خط‌مشی‌های اجرایی، حجم عملیات و منابع مالی مورد نیاز در سطح ملی با عنوان "برنامه توسعه آموزش و پرورش" مشخص می‌شود.

از سال ۱۳۲۷ شمسی که نخستین حرکت سازمان یافته برنامه‌ریزی در ایران در قالب قانون برنامه هفت‌ساله عمران و آبادی کشور به تصویب مجلس شورای ملی وقت رسیده، کشور ما تاکنون تجربه تهیه دو برنامه هفت ساله و ۷ برنامه پنج‌ساله را پشت سر گذاشته است.

بررسی مجموعه اسناد و گزارش‌های مربوط به برنامه‌ریزی

توسعه آموزش و پرورش در ایران، نشان می‌دهد که در تجارب برنامه‌ریزی گذشته، عموماً بر ارزیابی جنبه عملکرد کمی برنامه‌های توسعه و مقایسه هدف‌ها و اعتبارات مصوب با عملکردهای دانش‌آموزی و مالی تأکید شده و ارزیابی از هدف‌ها، سیاست‌ها و خط‌مشی‌های اجرایی و نیز بازنگری مسائل و مشکلات آموزش و پرورش کم‌تر مدنظر قرار گرفته است. با توجه به این نکته در این مقاله کوشش به عمل آمده است تا برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش از سال ۱۳۲۷ تا سال پایان برنامه دوم توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۸) مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. برای رسیدن به این مقصود، هر یک از برنامه‌های نه‌گانه توسعه آموزش و پرورش به سه بخش "هدف‌ها، سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها و مسائل و مشکلات موجود آموزش و پرورش در دوران تدوین هر برنامه تفکیک شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

مقاله حاضر را آقای حسین عبداللهی، عضو هیأت علمی پژوهشکده تعلیم و تربیت براساس پژوهشی با عنوان "ارزیابی برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش ایران از نظر فنون برنامه‌ریزی و عملکرد نسبت به هدف‌های مصوب سال‌های ۷۸-۱۳۲۷" که در سال ۱۳۷۸ انجام داده است، نوشته و برای درج در ویژه‌نامه برنامه‌ریزی آموزشی در اختیار فصلنامه تعلیم و تربیت قرار داده است که به این وسیله از ایشان قدردانی می‌شود.

فصلنامه»

مقدمه

پیشینه برنامه‌ریزی توسعه در ایران حدود ۵۰ سال است و در طی این مدت ۹ برنامه عمران و توسعه تهیه شده است. از این مجموعه، شش برنامه مربوط به قبل از انقلاب اسلامی و سه برنامه متعلق به دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی می‌باشد. از بین برنامه‌های یاد شده، برنامه اول و دوم قبل از انقلاب هفت ساله بوده‌اند و سایر برنامه‌ها برای مدت پنج سال پیش‌بینی شده‌اند. از مجموع برنامه‌های ۹ گانه، برنامه ششم (۶۱-۱۳۵۷) و برنامه پنج ساله اول (سال‌های ۶۷-۱۳۶۲) بنابه دلایل خاصی مورد تصویب قرار نگرفت و برنامه هفت ساله اول نظام گذشته نیز هر چند به تصویب مراجع قانون‌گذاری رسید و مقدمات اجرای آن فراهم شد ولی اجرا نگردید.

برنامه عمران و توسعه، مجموعه‌ای از برنامه‌های کلان اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی کشور است. برنامه‌ریزی بخش‌های مختلف کشور در قالب این برنامه کلان انجام می‌گیرد و محصول آن به صورت برنامه بخش، مشخص می‌شود. در چارچوب برنامه ریزی کلان کشور، بخش آموزش و پرورش یکی از بخش‌های بسیار مهمی است که اهداف کلان، سیاست‌ها، خط‌مشی‌های اجرایی، حجم عملیات و منابع مالی مورد نیاز آن در سطح ملی زیر عنوان "برنامه توسعه آموزش و پرورش" مشخص می‌شود.

در فرایند برنامه‌ریزی مهم‌ترین نکته‌هایی که باید مشخص شوند، عبارت‌اند از: هدف‌ها و خط‌مشی‌های اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی کشور برای تحقق بخشیدن به آنها و به عبارت دیگر، مشخص ساختن هدف‌ها و سیاست‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی کشور. از آن جا که برنامه‌ریزی آموزشی باید در چارچوب برنامه‌های توسعه عمرانی کشور انجام شود، برنامه‌ریزان آموزشی باید براساس هدف‌ها، سیاست‌ها و اولویت‌های توسعه و با توجه به امکانات، منابع و محدودیت‌ها به تدوین یک برنامه صحیح و متناسب برای نظام آموزشی کشور پردازند.

مطالعه و بررسی خط سیر تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش در ابعاد مختلف امری بسیار ضروری و ارزشمند است. در صورت تجزیه و تحلیل دقیق این برنامه‌ها، بسیاری از نقاط ضعف و قوت مشخص می‌شود و می‌توان از آنها درس‌های مهمی آموخت. با توجه به پیچیدگی بحث درباره آموزش و پرورش و نیز گستردگی دامنه فعالیت و تنوع اجزای برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش، در این بخش کوشش شده است که برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش ایران از سال ۱۳۲۷ (اولین سال اجرای برنامه هفت‌ساله اول توسعه) تا سال ۱۳۷۴ (سال شروع برنامه پنج ساله دوم توسعه) از نظر تحول در هدف‌ها، سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها و مسائل و مشکلات مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد (مشخصات برنامه‌های مورد مطالعه در جدول شماره ۱ آمده است).

جدول شماره ۱- مشخصات برنامه‌های توسعه و عمران ایران در دوره ۲۸-۱۳۲۷

مشخصات	تاریخ تصویب قانون برنامه	تاریخ شروع برنامه	تاریخ پایان برنامه	مدت برنامه (به سال)
برنامه هفت - ساله اول	۱۶ بهمن ماه ۱۳۲۷	اول مهرماه ۱۳۲۷	پایان شهریورماه ۱۳۳۲	۷
برنامه هفت - ساله دوم	۱۸ اسفندماه ۱۳۳۲	اول مهرماه ۱۳۳۲	پایان شهریورماه ۱۳۳۷	۷
برنامه پنج - ساله سوم	۲۱ اردیبهشت ۱۳۳۱	اول مهرماه ۱۳۳۱	پایان اسفندماه ۱۳۳۶	۵/۵
برنامه پنج - ساله چهارم	۶ فروردین ماه ۱۳۳۷	اول فروردین ماه ۱۳۳۷	پایان اسفندماه ۱۳۵۱	۵
برنامه پنج - ساله پنجم	۲۱ اسفندماه ۱۳۵۱	اول فروردین ماه ۱۳۵۲	پایان اسفندماه ۱۳۵۶	۵
برنامه پنج - ساله ششم	●	فروردین ۱۳۵۷	اسفندماه ۱۳۶۶	۵
برنامه پنج - ساله اول (فهر مصوب)	● ●	فروردین ۱۳۶۲	اسفندماه ۱۳۶۶	۵
برنامه پنج - ساله اول (مصوب)	۱۱ بهمن ماه ۱۳۶۸	فروردین ۱۳۶۸	اسفندماه ۱۳۷۲	۵
برنامه پنج - ساله دوم	۲۰ آذرماه ۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۸	۵

* این برنامه به علت تقارن با ایام انقلاب اسلامی، به تصویب نرسید.

** این برنامه به تصویب هیأت دولت رسید اما در مجلس شورای اسلامی مورد تصویب قرار نگرفت.

روش بررسی:

هم چنان که در مقدمه ذکر شد، بررسی و تحلیل هر یک از اجزای برنامه توسعه آموزش و پرورش مستلزم مطالعه‌ای مجزا و وقت‌گیر است. لذا در این جا تحلیل برنامه‌های توسعه را به سه بخش محدود می‌کنیم. این بخش‌ها عبارت‌اند از:

۱- هدف‌های هر برنامه، ۲- سیاست‌ها و خط‌مشی‌های هر برنامه، ۳- مسائل و مشکلات موجود آموزش و پرورش در دوران تدوین هر برنامه. مقوله‌های ذکر شده از اسناد مصوب برنامه‌های توسعه استخراج شده‌اند.

پس از بررسی و مطالعه این اجزای سه‌گانه در اسناد هر برنامه، جدولی تهیه و فهرست مقوله‌های مهم و مورد توجه آموزش و پرورش در برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش در آن وارد شد. سپس با توجه به گستردگی مقوله‌های مورد توجه در برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش، مجموع مقوله‌های بیست‌گانه به گونه‌ای دسته‌بندی شد که موارد مشابه یا هم‌سنخ در یک طبقه جای گیرد. به این ترتیب، موارد بیست‌گانه مندرج در جدول شماره ۲ در نه طبقه به شرح زیر دسته‌بندی گردید.

۱- توجه به پژوهش و مسائل تحقیقاتی

۲- تمرکز زدایی، توجه به مشارکت‌های مردمی و خصوصی سازی در آموزش و پرورش

۳- سوادآموزی و ریشه‌کنی بی‌سوادی

۴- آموزش همگانی، جذب کودکان واجب‌التعلیم و توسعه آموزش راهنمایی

۵- تغییر نظام آموزشی، توجه به کیفیت، محتوا و برنامه‌ریزی درسی، توجه به مبانی اعتقادی

۶- توجه به عوامل انگیزشی معلمان، تأمین و تربیت معلم و تدارک آموزش‌های ضمن خدمت

۷- توجه به آموزش‌های فنی - حرفه‌ای

۸- کارایی درونی و بیرونی و فراهم کردن امکانات آموزشی

۹- توجه به آموزش‌های خاص از قبیل آموزش عشایر، کودکان استثنایی، کودکان کم‌سواد و مهدکودک‌ها.

بررسی سیر تحول اهداف، سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها و مسائل و مشکلات آموزش و پرورش

پس از طبقه‌بندی مقوله‌های آموزش و پرورش در نه قسمت، اکنون به بررسی سیر تحول اهداف، سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها و نیز مسائل و مشکلات آموزش و پرورش در برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش می‌پردازیم. قبل از ارائه چنین تحلیلی، ضروری به نظر می‌رسد که با بررسی ادبیات موجود، به تعریفی روشن و نسبتاً دقیق از هدف‌های

آموزشی (هدف‌های بخش) سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها دست‌یابیم و بر مبنای آن به تجزیه و تحلیل نکات مورد نظر پردازیم.

هدف‌ها:

الف: تعریف

تاکنون تعاریف متعددی از هدف ارائه شده است که در این قسمت به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

هدف، نقطهٔ پایان امر یا فعالیتی است که در یک برنامه‌ریزی قصد رسیدن به آن را داریم. هدف را نتیجهٔ مطلوب یک رفتار نیز تعریف کرده‌اند (مأخذ ۱). نویسندهٔ دیگری هدف را چنین تعریف کرده است: هدف‌ها نتایج مطلوبی هستند که فعالیت سازمان در جهت آنها هدایت می‌شود (مأخذ ۲). در برنامه‌ریزی توسعه، هدف (Objective) عبارت است از مجموع آرزوها و خواست‌های نهایی جامعه - اعم از اقتصادی، اجتماعی یا فرهنگی - که منبعت از نظام ارزش‌های حاکم بر جامعه است (مأخذ ۳).

ب: ملاک‌های تعیین هدف‌ها

هدف‌ها جهت حرکت برنامه را تشکیل می‌دهند و در هر برنامه، تمامی فعالیت‌ها در جهت تحقق هدف‌ها صورت می‌گیرند؛ لذا اهداف هر برنامه از اهمیت بسیار برخوردار است. تعیین هدف، حساس‌ترین و به اعتباری، مشکل‌ترین مسألهٔ برنامه‌ریزی است. به همین دلیل، در تدوین هدف‌ها در برنامه - که قدم اول و ضمناً مهم‌ترین فعالیت در تدوین برنامه است - باید ملاک‌های زیر رعایت شود.

۱- هدف‌ها باید سنجش‌پذیر باشند؛ چنان‌چه نحوهٔ سنجش و اندازه‌گیری هدف مشخص نباشد، تشخیص این که آیا هدف مورد نظر تحقق یافته یا خیر، دشوار است. هدف‌ها را می‌توان بر اساس عوامل چهارگانهٔ کمیت، کیفیت، زمان و هزینه مورد سنجش قرار داد.

۲- هدف‌ها باید با یک دیگر هماهنگی، توافق و همخوانی داشته باشند؛ توافق هدف‌ها شرط اساسی دست‌یابی به آنهاست. هدف‌ها نباید به گونه‌ای تعیین شوند که با یک دیگر در تضاد و تقابل باشند.

۳- هدف‌ها باید روشن، واضح و قابل فهم باشند؛ هدف‌های مبهم و غیرقابل درک نمی‌توانند فعالیت‌ها را جهت دهند.

۴- هدف‌ها باید تحقیق‌پذیر و واقع‌بینانه باشند؛ هر یک از اهداف تعیین شده در برنامه باید به گونه‌ای باشد که در کوتاه مدت یا بلند مدت بتوان به آن دست یافت. اهداف بلند پروازانه و غیرقابل اجرا، صرفاً در قالب الفاظ می‌آیند و نمی‌توانند جنبهٔ عملی به خود بگیرند.

۵- اهداف باید بر اساس اولویت‌ها و نیازهای ضروری و واقعی جامعه تعیین شوند؛ با توجه به محدودیت امکانات و اهمیت زمان در اجرای برنامه‌ها لازم است که نیازمندی‌های

ضروری و واقعی جامعه مورد توجه قرار گیرد و بر رفع آنها به عنوان هدف در هر برنامه به صراحت تأکید شود.

۶- هدف‌های برنامه بخش باید ملهم و برگرفته از اهداف برنامه کلان کشور باشند.

۷- هدف‌های برنامه باید جامع باشند؛ یعنی، به دو جنبه آموزش و پرورش هم‌زمان توجه داشته باشند و علاوه بر توسعه کمی، برای بهبود و ارتقای سطح کیفی نیز طرح‌هایی ارائه دهند.

ضرورت و اهمیت تعیین هدف‌ها

هم‌چنان که در تعاریف نیز آمده است، هدف‌ها جنبه‌های مطلوب و خواسته‌های نهایی یک جامعه هستند و رفتارها در جهت آنها هدایت می‌شوند. در نظام آموزش و پرورش نیز اعتقادات، ارزش‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و دینی جامعه در تعیین اهداف آموزش و پرورش مؤثر است و در قالب اهداف برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش تبلور می‌یابد. تعیین هدف، حساس‌ترین و به اعتباری مشکل‌ترین مسأله برنامه‌ریزی آموزش و پرورش است. در فرایند برنامه‌ریزی، قبل از هر اقدامی باید هدف‌های آموزشی برای توسعه آموزش و پرورش از نظر کمی و کیفی، در طول زمان مورد نظر به عنوان نخستین مرحله تدوین شود (مأخذ ۴).

اهداف علاوه بر این که رفتار افراد یا سازمان‌ها را جهت می‌بخشند، دارای سه نقش مهم به شرح زیرند (مأخذ ۲).

۱- معرف سازمان هستند و موجودیت آن را در جامعه توجیه می‌کنند.

۲- زمینه هماهنگی فعالیت‌های سازمان را فراهم می‌آورند و وظایف گوناگون را به هم مرتبط می‌سازند.

۳- به تهیه و تدارک ملاک‌های ارزیابی عملکرد فردی و سازمانی کمک می‌کنند.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، هدف‌ها نقش‌های متنوع و مهمی بر عهده دارند اما در این جا نقش سوم هدف‌ها به عنوان ملاک ارزیابی عملکرد بیش‌تر مورد توجه قرار می‌گیرد؛ زیرا یکی از ملاک‌های تعیین هدف، سنجش‌پذیری است و چنان‌چه اهداف برنامه براساس اصول تعیین شوند، شاخص و ملاک معتبری خواهند بود و عملکرد هر برنامه براساس آنها مورد ارزیابی دقیق قرار می‌گیرد.

روش‌های تدوین هدف‌های برنامه آموزشی کشور

هر کشوری با توجه به نیازهای اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی خود و نیز امکانات و محدودیت‌های موجود، برای دست‌یابی به رشد و توسعه مطلوب خویش به تدوین هدف‌هایی دست می‌زند و در پی آن است که از این طریق خواسته‌های جامعه را تحقق

بخشد. بدیهی است هر کشور به تناسب وضعیت خاص خود از روش یا روش هایی برای تدوین هدف های برنامه توسعه آموزشی خود استفاده می کند. گروه مشاوران یونسکو برای تدوین این نوع هدف ها سه روش را پیشنهاد کرده اند (مأخذ ۴).

۱- روش نخست، روش "اجتماعی - فرهنگی" نامیده می شود و مبتنی بر پاسخ گویی به نیازهای افراد، گروه ها و طبقات اجتماعی - به ویژه گروه های محروم اجتماع - است. این روش به منظور کاهش یا حذف نابرابری های اجتماعی به کار می رود. شعاری که بازگو کننده این روش برنامه ریزی است عبارت است از: "حداکثر آموزش برای حداکثر افراد جامعه" که البته در عمل به علت کمبود منابع و بودجه، تحقق بخشیدن به آن معمولاً با اشکال مواجه می شود. از این رو، در آغاز برنامه ریزی آموزشی به حداقل آموزش - که معادل با سطح آموزش اجباری است - اکتفا می شود و به تدریج و در صورت پیشرفت اقتصادی و بهبود شرایط زندگی، سطح آموزش همگانی افزایش می یابد. برای به کارگیری این روش دنوانوع هدف مشخص تعیین می شود: ۱- هدف های کلی، ۲- هدف های کیفی.

۲- روش مبتنی بر تقاضا برای نیروی انسانی: دومین روش، روش اقتصادی نام دارد. در این روش برنامه ریزی آموزشی به پیروی از نیازهای نیروی انسانی کشور و به استناد آن انجام می پذیرد. از این رو این روش را روش مبتنی بر تقاضا برای نیروی انسانی نیز می نامند. این روش به ویژه بر جنبه های اقتصادی تکیه دارد و هدف آن پیش بینی کوش نیروی کار بر حسب مشاغل و مهارت هاست تا آنها را به اهداف آموزشی تبدیل کند و در برنامه ریزی آموزشی به کار برد. این روش شامل مراحل زیر است.

الف - بررسی وضعیت موجود در سال پایه،

ب - پیش بینی نیروی انسانی مورد نیاز در طول برنامه عمرانی،

پ - ارزیابی نیروی کار بر حسب مشاغل،

ت - محاسبه نیازهای نیروی انسانی ناشی از بازنشتگی و غیره،

ث - تبدیل نیازهای نیروی انسانی به نیازهای کارآموزی (آموزشی).

۳- سومین روش برای تعیین اهداف آموزشی، روش تحلیل هزینه - فایده سرمایه گذاری آموزشی است (مأخذ ۵). در این روش، برنامه ریزان درصدد ارزیابی هزینه ها و منابع و تعیین نوعی سرمایه گذاری هستند که با توجه به هزینه بیش ترین سود ممکن را دربر داشته باشد. تحلیل هزینه - فایده یکی از مهم ترین عوامل ارزش یابی سرمایه گذاری است؛ زیرا به سیاست گذاران کمک می کند تا دریابند که کدام یک از راه های مختلف تخصیص منابع محدود، بیش ترین منافع را عاید می کند. یکی از این ابزارهای مرتبط با سرمایه گذاری های آموزشی، نرخ بازدهی اجتماعی آموزش است. گاه از این وسیله برای مقایسه سرمایه گذاری آموزشی یا سرمایه گذاری های فیزیکی استفاده می شود ولی بیش ترین مورد استفاده آن در مقایسه هزینه ها و منافع انواع گوناگون آموزش یا سطوح مختلف آن است

(مأخذ ۵، ص ۵۲).

یکی از ایرادهای وارد بر روش تحلیل هزینه - فایده، مسأله اعتبار برآوردهای نرخ بازدهی است. لذا از این روش فقط برای اولویت بندی و کمک به تصمیم‌گیری در انتخاب یک نوع خاص از آموزش یا نوع سرمایه‌گذاری (فیزیکی، مادی، انسانی) می‌توان استفاده کرد. به عبارت دیگر، استفاده از روش تحلیل هزینه - فایده عوامل لازم را برای ارزیابی و تعیین هدف‌های آموزش تا حدودی فراهم می‌سازد تا براساس این تحلیل‌ها، اهداف از واقع‌بینی و قابلیت اجرا و نیز سودمندی کافی برخوردار شوند. براساس اسناد موجود در برنامه اول توسعه (۷۲-۱۳۶۸)، اهداف کیفی بخش براساس اهداف و اصول کلی نظام آموزش و پرورش (مطالعات شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش)، اهداف کلی برنامه توسعه و هم چنین، تحلیل عملکرد گذشته و وضع موجود تنظیم می‌شود.

خط مشی‌ها

در برخی منابع، سیاست‌های برنامه مترادف با خط‌مشی آمده است. سیاست یا خط‌مشی، برنامه عمومی عمل است؛ به بیان دیگر، نحوه اجرای هدف و حوزه رفتاری مسؤولان سازمان را تعیین می‌کند و در عین حال، وسیله‌ای مؤثر برای کنترل عملیات به شمار می‌آید. لذا تصمیم‌گیرندگان خط‌مشی را به مثابه راهنمای عمل برای تصمیم‌گیرندگان به کار می‌گیرند. خط‌مشی محدوده فعالیت و تصمیم‌گیری مدیران اجرایی را نیز مشخص می‌کند (مأخذ ۶).

سازمان برنامه و بودجه سیاست‌های توسعه بخش را چنین تعریف کرده است: سیاست‌های توسعه بخش عبارت است از مجموع تدابیر و معیارهای پیش‌بینی شده در قالب برنامه برای تحقق اهداف یا فراهم آوردن تسهیلات لازم جهت اجرای طرح‌ها و برنامه‌های بخش مربوطه. همان منبع خط‌مشی را این‌گونه تعریف کرده است: آن دسته از تصمیمات (ضوابط و معیارها) بلندمدت که مبتنی بر اطلاعات و تفکر و تعمق اتخاذ می‌گردد و در بلندمدت موجبات دگرگونی را فراهم می‌آورد (مأخذ ۳، ص ۳).

در فرهنگ واژه‌ها و اصطلاحات مدیریت و سازمان (مأخذ ۷) تعریف خط‌مشی (Policy) به شرح زیر است:

بیان اهداف، مقاصد و اصولی که در تصمیم‌گیری راهنمای عمل مدیران است و آنان را در اجرای جریانی از عملیات و هدف‌ها متعهد می‌نماید.

- مقررات کلی، حدود اعمال و تصمیمات اجرایی را به منظور نیل به اهداف مشخصی تعیین می‌کند.

- سیاست‌های کلی که از جانب مقامات عالی‌اخذ شده است، حدود و مرزی را مقرر می‌دارد که تصمیمات در محدوده آن اتخاذ شود.

خط مشی وسیله اصلی اجرای برنامه و بازتاب اهداف سازمان و رهنمود اجرای عملیات است که چهارچوبی کلی برای تصمیم‌گیری‌های عملیاتی فراهم می‌سازد. وجود خط مشی این اطمینان را به وجود می‌آورد که عملیات و فعالیت‌های سازمانی در جهت [تحقق] هدف‌ها قرار خواهند گرفت. خط مشی نحوه اجرای عملیات و تحقق هدف‌ها را مشخص و رفتار اعضای سازمان را هدایت می‌کند. خط مشی‌ها باید انعطاف‌پذیر، جامع، هماهنگ‌کننده، مطابق موازین اخلاقی و روشن و منطقی باشند (مأخذ ۲). به طور کلی، سیاست‌ها یا خط مشی‌های بخش باید متناسب با اهداف و راهبردهای برنامه و ملهم از سیاست‌های کلان برنامه و در عین حال، شفاف، واضح و گویا باشند (مأخذ ۸). در مدل عقلایی تصمیم‌گیری، خط مشی‌گذاری شامل شش مرحله است (درور، ۱۹۶۸ به نقل از الوانی، ۱۳۶۹):

- ۱- تهیه فهرستی از هدف‌های اصلی که خط مشی‌ها معطوف به تحقق آنهاست.
- ۲- شناخت همه جانبه ارزش‌هایی که سیاست‌گذار باید علاوه بر هدف‌های اصلی مدنظر داشته باشد.

۳- تعیین خط مشی‌های ممکن.

۴- پیش‌بینی هزینه و سود یا هزینه و نتیجه هر یک از خط مشی‌ها یا در نظر گرفتن این نکته که هر یک از خط مشی‌ها تا چه حد ما را به هدف‌های مورد نظر می‌رساند و در مقابل، چه هزینه‌ای دارد.

۵- تعیین ارزش هر یک از خط مشی‌ها با توجه به هزینه و نتیجه آن.

۶- مقایسه ارزش‌های به دست آمده و انتخاب بهترین خط مشی.

تجزیه و تحلیل هدف‌ها، سیاست‌ها، خط مشی‌ها و مشکلات

الف - جهت‌گیری کلی هدف‌های برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش

مطالعه و بررسی اهداف برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش نشان می‌دهد که این اهداف در طول نیم‌قرن سابقه برنامه‌ریزی، دستخوش تحولات شایان توجهی شده‌اند. به طور کلی در هر برنامه توسعه، اهداف به دو دسته اهداف کیفی و اهداف کمی تقسیم می‌شوند. در این جا تأکید بر اهداف کیفی بوده است و اهداف کمی به بررسی و تحلیل جداگانه‌ای نیاز دارد. جهت‌گیری کلی هدف‌ها در هر یک از برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش به این شرح است:

جدول شماره ۲- جهت‌گیری عمده اهداف برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش

عنوان برنامه	جهت‌گیری عمده اهداف
۱- برنامه هفت‌ساله اول (۲۳-۱۳۲۷)	تأکید بر نکات اساسی و زیربنایی نظام آموزش و پرورش از قبیل تمرکززدایی، پژوهش‌های بنیادی، تربیت نیروی انسانی متخصص و ایجاد انگیزش آموزشی
۲- برنامه هفت ساله دوم (۴۱-۱۳۳۴)	توجه به آموزش‌های فنی - حرفه‌ای
۳- برنامه پنج ساله سوم (۴۴-۱۳۴۱)	توسعه آموزش ابتدایی و نیز تربیت نیروی انسانی ماهر برای گرداندن چرخ‌های اقتصادی کشور
۴- برنامه پنج ساله چهارم (۵۱-۱۳۴۷)	ایجاد تغییر در ساختار نظام آموزشی، سعی در انطباق و توافق نظام آموزشی با نیازهای نیروی انسانی در سایر بخش‌های اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی
۵- برنامه پنج ساله پنجم (۵۶-۱۳۵۲)	توجه به برنامه‌ریزی دراز مدت (ده‌ساله) تأمین نیروی انسانی مورد نیاز صنعت، کشاورزی و خدمات
۶- برنامه پنج ساله ششم (۶۱-۱۳۵۶)	توجه به جنبه‌های کیفی و پرورشی آموزش‌ها
۷- برنامه پنج ساله اول غیر مصوب (۶۶-۱۳۶۲)	توجه به اعتقادات دینی، انگیزه‌های معنوی و ارزش‌های اسلامی
۸- برنامه پنج‌ساله اول مصوب (۷۲-۱۳۶۸)	تغییر نظام آموزش و پرورش و اصلاح ساختار اداری
۹- برنامه پنج ساله دوم (۷۸-۱۳۷۴)	تأکید بر کارایی درونی و بیرونی نظام آموزش و پرورش

بر اساس محتوای جدول شماره ۲، می‌توان گفت که تأکید عمده برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش قبل از پیروزی انقلاب اسلامی بر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و تربیت نیروی انسانی مورد نیاز بخش‌های مختلف جامعه بوده است. توجه به جنبه‌های کمی و بی‌توجهی یا کم‌توجهی به جنبه‌های کیفی سطوح مختلف آموزش و پرورش از ویژگی‌های بارز اهداف برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش قبل از انقلاب است. مصداق عینی این ادعا را می‌توان در سیاست‌ها و خط‌مشی‌های برنامه‌های قبل از پیروزی انقلاب به وضوح مشاهده کرد. جز در برنامه ششم که در آن به جنبه‌های کیفی آموزش توجه شد ولی این برنامه به علت تقارن با ایام انقلاب اسلامی، عملاً فرصت اجرا نیافت. با پیروزی انقلاب اسلامی، نظام شاهنشاهی سرنگون و به تبع آن، اصول و اهداف کلان کشور زیر و رو شد. با حاکمیت جمهوری اسلامی بر ایران توجه به مبانی، اصول و ارزش‌های اعتقادی جزو اهداف متعالی برنامه‌های توسعه قرار گرفت؛ بنابراین، بازنگری و تغییر در نظام آموزش و پرورش کشور بر مبنای اهداف و ارزش‌های اسلامی و نیازهای جامعه و نیز اصلاح ساختار اداری دستگاه آموزش و پرورش از جمله نکات مهم مورد توجه در برنامه‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی محسوب می‌شود.

ب - تحلیل اهداف برنامه‌های توسعه براساس ملاک‌های تعیین هدف

براساس جدول شماره ۳، در بررسی هدف‌ها گاهی به هدف‌هایی برمی‌خوریم که بیش تر به مسائل کیفی و جنبه‌های معنوی توجه دارند؛ برای مثال، می‌توان از هدف‌های زیر نام برد:

* ایجاد انگیزش آموزشی (برنامه هفت ساله اول)

* بالابردن سطح معلومات جوانان از طریق تعلیم و تربیت آموزگار (برنامه ۷ ساله دوم)

* بهبود و توسعه فرهنگ به طوری که با سایر ممالک مترقی جهان قابل قیاس باشد. (برنامه

سوم ۴۶-۱۳۴۱)

* بهبود کیفیت تعلیمات (برنامه چهارم ۵۱-۱۳۴۷)

* آماده ساختن عامه مردم برای درک هدف‌های ملی و مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی و

اجتماعی کشور (برنامه پنجم ۵۶-۱۳۵۲)

* بهبود کیفیت و افزایش بهره‌برداری از سرمایه گذاری انجام شده در آموزش (برنامه ششم

۶۱-۱۳۵۶)

* اعتلای مبانی اعتقادی و انگیزه‌های معنوی، شناخت و پرستش خدا و اتکال به او (برنامه

اول غیرمصوب ۶۶-۱۳۶۲)

* پرورش جنبه‌های فرهنگی رفتار دانش‌آموزان و تعمیق معرفت دینی و تقویت نظام

ارزشی اسلامی در آنان (برنامه دوم ۷۸-۷۴)

با توجه به ویژگی‌های خاص چنین اهدافی، نمی‌توان آنها را با داده‌ها و اطلاعات موجود

بررسی و ارزیابی کرد. لذا ارزیابی چگونگی حصول اهداف یاد شده یا اهداف مشابه آنها

مستلزم تحقیقات طولانی بسیار دقیق است. بررسی پیشینه برنامه‌ریزی توسعه آموزش و

پرورش نشان می‌دهد که تاکنون هیچ نوع مطالعه‌ای که در برگیرنده میزان دستیابی به

اهداف برشمرده باشد، در ایران انجام نگرفته است. اصولاً در برنامه‌های توسعه آموزش و

پرورش، راهکارهای ارزیابی از اهداف تعیین نشده است و این خود نقص عمده

برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش محسوب می‌شود. در هر برنامه، لازم است

راهکارهای ارزیابی اهداف به طور عینی و قابل اجرا و اندازه‌گیری پیش‌بینی شود و برای

تحقق این هدف‌ها، خط‌مشی‌ها یا سیاست‌های مشخصی تدوین گردد ولی بررسی خط

مشی‌های هر برنامه حاکی از این است که متناسب با هدف‌های تعیین شده در برنامه، سیاست

یا خط‌مشی روشن و متناسبی در نظر گرفته نشده است. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که

سیاست‌ها و خط‌مشی‌های تعیین شده در بعضی موارد با اهداف هم‌جهت نبوده و هر کدام

مسیر جداگانه‌ای را در پیش گرفته‌اند. برای رفع این مشکل، لازم است پس از تدوین هر

هدف در برنامه، سیاست و راهکار مشخصی برای تحقق آن در قسمت سیاست‌ها و

خط‌مشی‌های برنامه گنجانده شود تا هم تحقق اهداف را تسهیل کند و هم ابزاری برای

ارزیابی میزان تحقق آنها باشد.

جدول شماره ۳ طبقه‌بندی اهداف، سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها، مسائل و مشکلات

آموزش و پرورش در برنامه‌های توسط آموزش و پرورش سال‌های ۱۳۲۷-۱۳۲۸

ردیف	طبقه‌بندی مقوله‌ها	فصل اول	فصل دوم	فصل سوم	فصل چهارم	فصل پنجم	فصل ششم	فصل هفتم	فصل هشتم	فصل نهم	فصل دهم
۱	عنوان برنامه‌های توسعه توجه به پژوهش و ترویج تحقیقات علمی آموزش و پرورش استان‌ها و مناطق تشریح زوایای واگذاری مسؤلیت‌های اجرایی به استان‌ها و مناطق	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
۲	خصوصی‌سازی آموزشی مراکز آموزشی و سازده پایه‌مدرسه‌ای جذب گروه‌گان واجبه‌العلم (نوسه) آموزش ابتدایی)	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
۳	همگانی کردن آموزش، عدالت آموزشی و رفع محرومیت	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۴	توسعه دوره ابتدایی توجه به کیفیت در آموزش و پرورش مناسب کردن محتوای برنامه‌های آموزشی با نیازهای جامعه	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
۵	تغییر و تجدیدنظر در نظام آموزش و پرورش کلیت و اصلاح آن توجه به سالی اعتقادی و پرورش خداتراند متعال و مسائل معنوی توجه به برنامه‌ریزی درسی (محتوا، روش‌های تدریس و ...)	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
۶	توجه به عوامل انگیزشی و رفاه نیروی انسانی خصوصاً معلمان تأمین و تربیت معلم و سایر کارکنان آموزش‌های ضمن خدمت	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
۷	توجه به آموزش‌های فن و حرفه‌ای ارام کردن امکانات آموزشی (فضا، تجهیزات، مواد آموزشی و کمک آموزشی) افزایش کارایی درونی و بیرونی (اصلاح ساختار اداری و شیوه اجرایی) توجه به آموزش‌های خاص (آموزش مشاوره گروه‌گان استثنایی، بزرگسالان و معهذگروگان)	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+

ه = هدف‌ها س = سیاست‌ها و راهبردها م = مسائل و مشکلات (+) = در برنامه وجود داشته است. (-) = در برنامه وجود نداشته است.
 مأخذ: اسناد و مدارک، گزارشها و منابع مربوط به برنامه‌های ۹ گانه توسعه، سازمان برنامه و بودجه، سال‌های ۱۳۲۷-۱۳۲۸

تحلیل مقوله‌های نه‌گانه برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش

۱- توجه به پژوهش و ترویج تحقیقات علمی

بر اساس اطلاعات مندرج در جدول شماره ۳، از بین نه برنامه توسعه آموزش و پرورش تنها در برنامه‌های اول و چهارم قبل از پیروزی انقلاب اسلامی توجه به پژوهش و گسترش تحقیقات در نظام آموزش و پرورش جزو اهداف برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش قرار گرفته است. جالب توجه است که در برنامه هفت ساله اول، این موضوع در هدف‌ها آمده و در قسمت سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها نیز مورد تأکید قرار گرفته است اما در برنامه چهارم تنها در قسمت هدف‌ها ذکر شده ولی خط‌مشی مشخصی برای حصول آن ارائه نشده است. در برنامه‌های پس از انقلاب نیز لزوم توجه به تحقیقات و استفاده از نتایج آن در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها در هر سه برنامه در قسمت سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها مورد تأکید قرار گرفته است. به عبارت دیگر این نکته جزو اهداف برنامه نبوده ولی در قسمت سیاست‌ها مورد اشاره قرار گرفته است.

نتیجه کلی بررسی وضعیت پژوهش در آموزش و پرورش چنین است که پژوهش در نظام آموزش و پرورش طی دوره پنجاه ساله برنامه‌ریزی توسعه، به طور جسته و گریخته و نامنظم گاه مورد تأکید قرار گرفته و گاه به بوته فراموشی سپرده شده است. با وجود نیازمندی شدید نظام آموزش و پرورش کشور به گسترش تحقیقات و استفاده از نتایج بررسی‌ها و مطالعات انجام شده در زمینه آموزش و پرورش چه در داخل و چه خارج از کشور، این مسأله تاکنون به گونه‌ای نظام‌دار مورد توجه قرار نگرفته است. حتی در برنامه دوم توسعه آموزش و پرورش (۷۸-۱۳۷۴) در قسمت سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها تنها به ذکر سیاستی مبهم بسنده شده است که عملاً برای توجه به تحقیقات علمی آموزشی راهکار مشخصی ارائه نمی‌کند. این سیاست عبارت است از:

"توجه به تحقیقات کاربردی، به ویژه تحقیقات مربوط به سیاست‌های آموزشی رسمی و غیررسمی و استفاده از نتایج آن در برنامه‌ریزی‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها و گسترش تحقیقات در استان‌ها".

۲- تمرکززدایی، توجه به مشارکت‌های مردمی و خصوصی‌سازی در آموزش و پرورش

بررسی اهداف و خط‌مشی‌های برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش نشان می‌دهد که امر تمرکززدایی و تلاش برای واگذاری مسؤلیت‌های اجرایی به استان‌ها در تمامی برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش - به جز برنامه هفت ساله دوم و برنامه پنجم قبل از انقلاب و برنامه دوم پس از انقلاب - مورد توجه برنامه‌ریزان توسعه آموزش و پرورش بوده است. با این

تفاوت که در برنامه‌های اول و ششم قبل از انقلاب، این مسأله هم در هدف‌ها و هم در خط‌مشی‌های مورد توجه قرار گرفته است اما در برنامه سوم فقط در هدف‌ها، در برنامه چهارم و اول غیرمصوب و مصوب پس از انقلاب فقط در سیاست‌ها مورد تأکید قرار گرفته و جزو اهداف نیامده است. با توجه به این که آموزش و پرورش از همان سال‌های اول تهیه برنامه توسعه (حدود پنجاه سال قبل)، تمرکز اداری را یکی از موانع عمده توسعه آموزش و پرورش معرفی کرده و این معضل همواره کم و بیش در مسائل و مشکلات اکثر برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش تکرار شده است. به رغم اعتراف صریح به مسأله تمرکزگرایی، عدم انعطاف و بی‌توجهی به مقتضیات اقلیمی، فرهنگی و اجتماعی در کلیه سطوح تصمیم‌گیری در بیان مسائل و مشکلات عملی آموزش و پرورش در دوران تهیه برنامه دوم توسعه آموزش و پرورش (۷۸-۱۳۷۴) رفع این معضل به فراموشی سپرده شده است. این امر نه جزو اهداف برنامه آمده و نه در قسمت سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها برای رفع آن چاره‌ای اندیشیده شده است. همان‌طور که گفته شد، عدم انعطاف برنامه‌های تهیه شده در آموزش و پرورش و نامتناسب بودن آنها با مقتضیات اقلیمی، فرهنگی و... از مسائل اساسی نظام آموزش و پرورش از بدو تأسیس تاکنون بوده است، اما متأسفانه تا به حال سیاست یا خط‌مشی عملی برای رفع این معضل مهم اتخاذ نشده است. البته با تشکیل شوراهای آموزش و پرورش در استان‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا حدودی به مسأله مشارکت‌های مردمی توجه شده ولی موضوع واگذاری مسؤلیت‌های اجرایی به استان‌ها و نواحی هنوز به طور ساختاری در نظام آموزش و پرورش وارد نشده است.

در مورد مشارکت‌های مردمی می‌توان گفت که این مسأله در برنامه‌های اول سوم و پنجم قبل از پیروزی انقلاب و برنامه اول غیرمصوب و برنامه دوم پس از پیروزی انقلاب اسلامی جزو اهداف برنامه قرار گرفته است. مسأله مشارکت مردم در آموزش و پرورش تنها در برنامه هفت ساله دوم مورد توجه قرار نگرفته است. بیش‌ترین علایم توجه به اهمیت مشارکت مردم در امر آموزش و پرورش در برنامه هفت ساله اول (اولین برنامه توسعه آموزش و پرورش، ۳۴-۱۳۲۷) و برنامه دوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۷۸-۱۳۷۴) به چشم می‌خورد. در برنامه اخیر با تصویب قانون شوراهای آموزش و پرورش استان‌ها در سال ۱۳۷۲ توسط مجلس شورای اسلامی و تشکیل این شورا در اکثر استان‌های کشور، مشارکت و نظارت مردم در امر آموزش و پرورش به صورت قانونی درآمد. در وضعیت فعلی نکته مهم چگونگی فعالیت این شوراها در استان‌ها و مناطق است.

ماده یک قانون تشکیل شوراهای آموزش و پرورش در استان‌ها، شهرستان‌ها و مناطق

کشور مصوب دی ماه ۱۳۷۲ به این شرح است (مأخذ ۹):

"به منظور تحقق مشارکت و نظارت مردم در امر آموزش و پرورش و بهره‌گیری از کلیه منابع و امکانات، جهت تأسیس، توسعه و تجهیز فضاهای آموزش و پرورش و تسهیل در فعالیت‌های اجرایی آموزش و پرورش، شوراهای آموزش و پرورش در استان‌ها و شهرستان‌ها به شرح این قانون تشکیل می‌گردد."

لازم به یادآوری است که در سال ۱۳۴۸ نیز به منظور جلوگیری از تمرکز امور در مرکز و مشارکت مردم در امور اجرایی، قانون تشکیل شورای آموزش و پرورش منطقه‌ای در ۸ ماده و ۴ تبصره به تصویب رسید ولی مطالعه اسناد مربوط به این قانون و عملکرد آن حاکی از این است که این شوراها از زمان تشکیل نتوانسته است جز تسهیلات مالی و اجرایی، تحولی در نظام اداری و آموزشی هر منطقه پدید آورد و از مشارکت واقعی مردم سود جوید (همان منبع، ص ۶۹).

براساس نتایج مرور اهداف، سیاست‌ها و مشکلات برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش (جدول شماره ۳) پیرامون گرایش به خصوصی‌سازی و واگذاری قسمتی از امور آموزش و پرورش به بخش خصوصی در برنامه‌های پنج ساله سوم و چهارم تحت عنوان تشویق مؤسسات خصوصی به ایجاد و توسعه کودکستان‌ها یا مهدهای کودک و نیز توسعه دبیرستان‌های خصوصی، اهداف و خط‌مشی‌هایی تدوین شده است. در برنامه‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی تشویق افراد به تأسیس مدارس غیردولتی (غیرانتفاعی) از طریق ارائه خدمات و تسهیلات از قبیل واگذاری زمین، اعطای تسهیلات اعتباری و ... در قسمت سیاست‌ها و خط‌مشی‌های برنامه اول و دوم توسعه، حاکی از تمایل برنامه‌ریزان به واگذاری امر اداره بخشی از امور آموزش و پرورش به بخش غیردولتی است. لازم به یادآوری است که در برنامه‌های هفت ساله اول و دوم و پنج ساله پنجم و ششم قبل از انقلاب و نیز برنامه پنج ساله اول (غیرمصوب) ۶۶-۱۳۶۲ به امر خصوصی‌سازی در آموزش و پرورش هیچ‌گونه اشاره‌ای نشده است. با توجه به گذشت حدود هفت سال از تصویب و اجرای قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی، تحقیق و بررسی درباره این نکته که وجود و ادامه فعالیت چنین مدرسی تا چه حد باعث کاهش مشکلات آموزش و پرورش و تحقق اهداف برنامه شده است، ضروری به نظر می‌رسد.

۳- سوا: آموزی و مبارزه با بی سوادی

مبارزه با بی سواد یکی از نکاتی است که در طی پنجاه سال سابقه برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش در ایران پیوسته جزو اهداف برنامه‌های توسعه بوده و برای رفع این

مشکل اساسی، سیاست‌ها و خط‌مشی‌های گوناگونی اتخاذ شده است. رفع مشکل بی‌سوادی در قالب برنامه‌هایی از قبیل تعلیمات اکابر، آموزش سالمندان، آموزش بزرگسالان، پیکار با بی‌سوادی و جهاد ملی سوادآموزی تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و نهضت سوادآموزی پس از پیروزی انقلاب مورد توجه بوده است. به‌رغم تأکید تمامی برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش بر رفع مشکل بی‌سوادی در کشور، متأسفانه پس از گذشته پنج دهه از برنامه‌ریزی برای ریشه‌کنی بی‌سوادی در ایران، هنوز هم کشور ما جزو معدود کشورهای جهان است که بیش از ۱۰ میلیون نفر بی‌سواد دارد و تاکنون نتوانسته است آنها را تحت پوشش برنامه‌های سوادآموزی قرار دهد.

مسئله سوادآموزی در تمامی برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش که تاکنون تدوین و اجرا شده است، بدون استثنا جزو اهداف مهم برنامه‌ها بوده و فقط در برنامه هفت ساله دوم، پنج ساله چهارم و برنامه پنج‌ساله اول غیرمصوب (۶۶-۱۳۶۲) برای تحقق این هدف، سیاست یا خط‌مشی مشخصی تدوین نشده است. نکته جالب توجه این که مشکل بی‌سوادی بزرگسالان یکی از مسائلی است که پی در پی در تمامی برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش گزارش شده ولی هم‌چنان که گفته شد، این مشکل اساسی که در بعضی از کشورهای جهان کاملاً مرتفع شده است در کشور ما هنوز هم مهم‌ترین مشکل نظام آموزش و پرورش به حساب می‌آید. استفاده از شیوه‌های نوین آموزشی، هماهنگی تمامی نهادها و سازمان‌های دست‌اندرکار امور فرهنگی و ایجاد عوامل انگیزشی برای بی‌سوادان و نیز سوادآموزان، از راهکارهای قابل توجه برای رفع معضل بی‌سوادی در کشور است.

۴- جذب کودکان واجب‌التعلیم، همگانی کردن آموزش و برقراری عدالت آموزشی
جذب کودکان سنین مدرسه‌رو از دیرباز مورد توجه دست‌اندرکاران و برنامه‌ریزان آموزش و پرورش بوده است. برای نیل به همین هدف، دولت براساس ماده اول قانون تعلیمات اجباری و مجانی مکلف شد از سال ۱۳۲۳ تا مدت ده سال به تدریج آموزش و پرورش ابتدایی را در تمام کشور عمومی و اجباری سازد (منع پیشین، ص ۹۶).
در برنامه‌های اول و پنجم قبل از پیروزی انقلاب و نیز در برنامه پنج‌ساله اول پس از انقلاب، توسعه آموزش ابتدایی و جذب کودکان واجب‌التعلیم جزو اهداف مهم توسعه آموزش و پرورش بوده است. در برنامه هفت ساله دوم، توسعه تعلیمات عمومی در سطح ابتدایی به عنوان هدف ذکر شده ولی سیاست یا خط‌مشی مشخص برای تحقق این هدف تدوین نشده است. در سایر برنامه‌ها نیز برای جذب تعداد بیش‌تری از افراد واجب‌التعلیم سیاست‌هایی تدوین شده است. بدون این‌که این سیاست‌ها که برگرفته از اهداف برنامه باشند

این برنامه‌ها، عبارت‌اند از: برنامه‌های ششم، اول غیر مصوب و برنامه پنج ساله دوم. دست یابی به فرصت‌های برابر آموزش در تمامی مناطق کشور و برای همه گروه‌های اجتماعی و دختران و پسران و رفع محرومیت‌های آموزشی جزو اهداف برنامه‌های آموزش و پرورش از سال ۱۳۲۷ تاکنون بوده و تنها در برنامه هفت ساله دوم، هم در اهداف برنامه و هم در سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. نکته قابل توجه این است که در مجموعه برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش از ابتدا تاکنون نابرابری فرصت‌های آموزشی در مناطق مختلف کشور و تبعیض جنسی (برخورداری پسران بیش از دختران از آموزش) و ادامه محرومیت مناطق محروم کشور، پیوسته ادامه داشته و هنوز هم توزیع ناعادلانه نیروی انسانی و سرمایه‌گذاری‌ها در مناطق مختلف کشور و سطوح مختلف تحصیلی جزو مسائل و مشکلات آموزش و پرورش است.

فقدان یک برنامه نظام‌مند و نوین راهنمایی و هدایت تحصیلی یکی از مشکلات مهم آموزش و پرورش در دوران تهیه برنامه هفت ساله اول توسعه آموزش و پرورش بوده است و تهیه‌کنندگان این برنامه با دقت ویژه‌ای لزوم وجود برنامه‌ای را برای راهنمایی و هدایت تحصیلی دانش‌آموزان مورد تأکید قرار داده‌اند. بی‌توجهی به مسأله راهنمایی تحصیلی عملاً تا سال ۱۳۴۷ (سال شروع برنامه چهارم) ادامه یافت و سرانجام در این برنامه، ایجاد دوره سه ساله راهنمایی تحصیلی به منظور هدایت تحصیلی دانش‌آموزان در دوره آموزش متوسطه جزو اهداف برنامه چهارم منظور گردید و در قسمت سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها نیز هماهنگی لازم برای تشکیل در ضمن دوره‌ای پیش‌بینی شد. پس از برنامه‌ی چهارم، توسعه دوره راهنمایی تحصیلی جز در برنامه پنج ساله اول (۷۲-۱۳۶۸) در فهرست اهداف برنامه‌ها قرار نگرفته و تنها به ذکر عباراتی به عنوان خط‌مشی - بدون این که برگرفته از اهداف باشند - اکتفا شده است. نکته قابل توجه این که در برنامه دوم توسعه (۷۸-۱۳۷۴) هم در اهداف و هم در سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها هیچ‌گونه تأکیدی بر توسعه دوره راهنمایی تحصیلی نشده است. در حالی که "فقدان سیستم جامع هدایت تحصیلی و شغلی و نیروی انسانی ورزیده برای انجام آن به خصوص در دوره راهنمایی تحصیلی" به مثابه یکی از مسائل و مشکلات عمده نظام آموزش و پرورش در دوران تهیه برنامه پنج ساله دوم (۷۸-۱۳۷۴) مطرح شده است.

۵- تغییر نظام آموزشی، توجه به کیفیت، برنامه‌ریزی درسی و مبانی اعتقادی

تجدید نظر، اصلاح و تغییر نظام آموزشی کشور پیوسته ذهن برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران آموزش و پرورش را به خود مشغول کرده است. در برنامه‌های قبل از

انقلاب، تهیه‌کنندگان برنامه هفت ساله آموزش و پرورش ایران (۳۴-۱۳۲۷) به گونه‌ای بسیار دقیق و کاربردی لزوم ایجاد تغییر و اصلاح در نظام آموزش و پرورش را در جهت بهبود آموزش و پرورش کشور یادآور شده‌اند. در برنامه چهارم نیز ایجاد تحول در سازمان آموزشی کشور مورد تأکید قرار گرفته است. از نخستین سال‌های پیروزی انقلاب اسلامی امر اصلاح یا تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش مورد توجه عالی‌ترین مراجع تصمیم‌گیری و هدایت امور کشور بوده است و در هر سه برنامه تدوین شده پس از انقلاب، اصلاح و تغییر نظام آموزشی کشور به عنوان هدف اساسی ذکر شده و خط‌مشی‌هایی برای تحقق آن تدوین گردیده است. در عین حال در هر سه برنامه، ناکارا بودن نظام فعلی از مشکلات عمده آموزش و پرورش تلقی شده است. نتیجه تلاش برای تغییر نظام آموزش و پرورش به تهیه طرح "کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران" منجر گردید. این طرح که توسط شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش تهیه شد، در تیر ماه ۱۳۶۸ مورد تأیید شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار گرفت و وزارت آموزش و پرورش موظف شد با هدایت شورای جدید موسوم به "شورای تغییر نظام آموزش و پرورش" به طراحی تفصیلی بپردازد و برنامه‌های اجرایی لازم را برای تغییر و اصلاح نظام آموزش و پرورش تهیه کند (مأخذ ۱۰).

تلاش برای هماهنگی اهداف، سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها و رفع مشکلات ناشی از عدم کارایی و نامتناسب بودن نظام فعلی آموزشی با نیازهای جامعه یکی از نکات قابل توجه در تدوین برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران است. کیفیت در آموزش و پرورش یکی از مواردی است که به عناوین مختلف، طی دوران پنجاه ساله تدوین برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش مورد توجه و تأکید بوده است. هر چند که بهبود کیفیت انواع و سطوح مختلف آموزشی در اکثر برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش مورد تأکید قرار گرفته اما عملاً بیش تر به جنبه‌های کمی آموزش و پرورش پرداخته شده است تا جنبه‌های کیفی آن. نتایج بررسی گزارش عملکرد برنامه‌های مختلف حاکی از این است که همواره توسعه کمی بدون توجه به جنبه‌های کیفی آموزشی، جزو مسائل اساسی آموزش و پرورش در هر دوره از برنامه‌ریزی بوده است.

در هدف‌گذاری برای دستیابی به کیفیت در آموزش و پرورش گاه از عبارات‌هایی استفاده شده است که بسیار کلی، مبهم و غیرقابل سنجش بوده‌اند و به همین دلیل، تبدیل آنها به سیاست‌ها و خط‌مشی‌های روشن و قابل حصول و نیز به هدف‌های کمی بسیار مشکل یا غیرممکن بوده است. پس از تعیین هدف‌های کیفی آموزشی، لازم است در قسمت سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها راهکارهای عملی تحقق این هدف‌ها تدوین شود ولی در اغلب

برنامه‌ها که افزایش یا بهبود کیفیت آموزشی جزو اهداف برنامه بوده است، طریقهٔ حصول کیفیت در آموزش و پرورش بیان نشده و در نتیجه، بهبود کیفیت آموزش بیش تر حالت شعارگونه به خود گرفته است تا یک سیاست عملی.

متناسب نبودن محتوای برنامه‌های درسی با نیازهای دانش‌آموزان و عدم توجه به شرایط جغرافیایی و محلی در تدوین محتوای برنامه‌های درسی مخصوصاً عدم تطابق برنامه مدارس روستایی با محیط روستا و سرانجام عدم تطابق محتوای برنامه‌های درسی و نظام آموزشی با نیازهای اقتصادی-اجتماعی جامعه جزو نقایص عمدهٔ نظام آموزش و پرورش کشور از ابتدا تا کنون است. بروز این نقص شاید ناشی از تمرکزگرایی شدید امور در مرکز کشور و عدم تفویض اختیارات اجرایی به استان‌ها و مناطق کشور باشد. در نتیجه، نظام آموزش و پرورش فارغ‌التحصیلانی را به اجتماع تحویل داده است که مهارت‌ها و شایستگی‌های لازم را برای تصدی حِرَف اقتصادی کشور ندارند. این مشکل در برنامه‌های قبل از انقلاب بیش تر به چشم می‌خورد ولی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با بازنگری در محتوای برنامه‌های آموزشی و نیز نظام آموزشی کشور، تجدید نظر در محتوا و برنامه‌های آموزشی کشور در جهت انطباق با نیازهای جامعه و مقتضیات ناشی از توسعهٔ علوم و فناوری جزو اهداف اساسی برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش قرار گرفت و سیاست‌ها و خط‌مشی‌هایی هم برای حصول این هدف پیش‌بینی گردید. در کل، می‌توان گفت که در برنامه‌های اول غیر مصوب (۶۶-۶۲)، اول مصوب (۷۲-۶۸) و برنامهٔ پنج سالهٔ دوم (۷۸-۷۴) به مسأله بازنگری و اصلاح و تغییر محتوا و برنامه‌های درسی توجه جدی شده و در این زمینه تا کنون فعالیت‌های چشم‌گیری صورت گرفته است. توجه به نیازهای جامعه، هماهنگی میان اهداف و خط‌مشی‌های برنامه برای رفع مشکلات ناشی از عدم تناسب محتوای برنامه‌ها با نیازهای جامعه، از نکات قابل توجه در برنامه‌های توسعهٔ آموزش و پرورش پس از پیروزی انقلاب اسلامی است.

با توجه به اطلاعات مندرج در جدول شمارهٔ ۳، مبانی اعتقادی و مسائل معنوی و پرستش خداوند متعال در هیچ یک از برنامه‌های اول تا ششم قبل از انقلاب مورد توجه قرار نگرفته است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اعتلای مبانی اعتقادی و انگیزه‌های معنوی، شناخت، پرستش و اتکال به خدا در صدر اهداف برنامهٔ پنج سالهٔ اول غیر مصوب ۶۶-۱۳۶۲ قرار گرفت. در برنامهٔ پنج سالهٔ اول مصوب (۷۲-۱۳۶۸) محور قرار دادن قرآن و... در برنامه‌های آموزش و پرورش جزو سیاست‌ها و خط‌مشی‌های این برنامه قرار گرفت ولی در هدف‌ها به آن اشاره‌ای نشده است. سرانجام در برنامهٔ دوم (۷۸-۱۳۷۴) پرورش جنبه‌های فرهنگی رفتار دانش‌آموزان و تعمیق باورهای دینی و تقویت نظام ارزشی اسلامی آنان

مجدداً جزو اهداف برنامه قرار گرفت.

۶- توجه به عوامل انگیزشی، تأمین و تربیت معلم و آموزش‌های ضمن خدمت ایجاد انگیزه کافی در کارکنان شاغل در آموزش و پرورش - خصوصاً معلمان - و نیز توجه به ژامور رفاهی آنان، به رغم اهمیت فوق‌العاده زیاد آن در کارایی و بازدهی نیروی انسانی، کم تر مورد عنایت برنامه‌ریزان توسعه آموزش و پرورش بوده است. در برنامه‌های قبل از انقلاب اسلامی تنها در برنامه هفت ساله اول برای ایجاد انگیزش در معلمان مدارس پیشنهادهایی ارائه شده است. در سایر برنامه‌ها حتی در برنامه‌های توسعه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، توجه به عوامل انگیزشی و رفاه نیروی انسانی هیچ‌گاه جزو اهداف برنامه‌ها نبوده و تنها در قسمت سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها به بیان عباراتی کلی و شعارگونه اکتفا شده است. برای مثال، در قسمت خط‌مشی‌های برنامه دوم توسعه (۷۸-۱۳۷۴) در مورد رفاه نیروی انسانی چنین آمده است: "توجه به تربیت نیروی انسانی از طریق [ایجاد] جاذبه و شأن اجتماعی برای شغل معلمی به نحوی که نیروهای مستعد به این شغل گرایش بیش تری پیدا کنند." نکته قابل توجه این است که در میان نه برنامه تدوین شده از سال ۱۳۲۷ تاکنون در هفت برنامه، کمبود انگیزه کارکنان - خصوصاً معلمان - و فقدان جاذبه کافی برای به کارگیری نیروهای مستعد در آموزش و پرورش جزو مسائل و مشکلات این نهاد بوده است. به عبارت دیگر، مشکل پایین بودن سطح رفاه کارکنان - خصوصاً معلمان - و عدم توجه کافی به مشکلات انگیزشی و معیشتی نیروهای انسانی شاغل در آموزش و پرورش معضلی است که پس از پنجاه سال برنامه‌ریزی توسعه هنوز هم به عنوان مسأله اساسی در آموزش و پرورش مطرح است.

مسأله تأمین و تربیت معلم و نیروی انسانی در تمامی برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش قبل از انقلاب اسلامی جزو اهداف اصلی برنامه‌ها بوده و برای تحقق آن خط‌مشی‌هایی نیز تدوین شده ولی در برنامه‌های توسعه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تأمین و تربیت نیروی انسانی مورد نیاز آموزش و پرورش تنها در بخش سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها مورد تأکید قرار گرفته است؛ بدون این که این سیاست‌ها ملهم از اهداف برنامه باشد.

آموزش‌های ضمن خدمت کارکنان علی‌رغم اهمیت و ضرورت آن، تنها در برنامه‌های هفت ساله اول و برنامه ششم جزو اهداف برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش بوده و در برنامه‌های هفت ساله دوم، چهارم، پنجم و برنامه پنج ساله دوم (۷۸-۱۳۷۴) کاملاً مورد بی‌توجهی واقع شده است. شایان ذکر است که وقوع چنین پدیده‌ای به معنای این نیست که در نظام آموزش و پرورش مسأله آموزش‌های ضمن خدمت به طور کلی فراموش شده و

چنین آموزش‌هایی اجرا نشده باشد بلکه نکته اصلی این است که فعالیت‌های مربوط به آموزش ضمن خدمت بدون هماهنگی و ارتباط با برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش صورت گرفته است و در نتیجه، آن چه در عمل اتفاق می‌افتد با آن چه در برنامه آمده است تفاوت دارد.

۷- توجه به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای

توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و ایجاد شرایط لازم برای تربیت نیروی انسانی ماهر مورد نیاز در بخش‌های اقتصادی کشور یکی از اهدافی است که بدون استثنا در تمامی برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش مورد تأکید قرار گرفته و برای تحقق آن سیاست‌ها و خط‌مشی‌هایی تدوین شده است. به رغم این هدف‌گذاری در تمامی برنامه‌های توسعه، کمبود نیروی انسانی ماهر و متخصص و عدم تناسب آموخته‌های فارغ‌التحصیلان با نیازهای بازارکار یکی از ایرادهای مهم نظام آموزشی کشور است. البته پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با تشکیل شورای تغییر نظام و نیز تلاش برای گسترش نظام جدید آموزش متوسطه، وزارت آموزش و پرورش در صدد رفع این مشکل برآمده است و سعی دارد بیش از پیش به مسأله گسترش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای توجه کند.

۸- کارایی درونی و بیرونی و فراهم کردن امکانات آموزشی

از میان‌توجه برنامه توسعه آموزش و پرورش در هفت برنامه، افزایش کارایی درونی و بیرونی و تلاش برای اصلاح ساختار اداری و شیوه‌های اجرایی جزو اهداف برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش بوده و تنها در برنامه هفت ساله دوم و پنج ساله اول غیرمصوب افزایش کارایی جزو اهداف برنامه قرار نگرفته است. در کلیه برنامه‌ها، ناکارایی بودن نظام اداری آموزش و پرورش و ضعف شیوه‌های اجرایی جزو مسائل و مشکلات عمده آموزش و پرورش بوده است. کندی جریان امور اداری، پایین بودن سطح بهره‌وری کارکنان و ادامه مشکلات ناشی از ساختار نامتناسب اداری و شیوه‌های اجرایی که پیوسته در طول برنامه هفت ساله اول تاکنون ادامه داشته است، از عدم هماهنگی بین اهداف و سیاست‌های برنامه‌های توسعه و نامتناسب بودن خط‌مشی‌های اجرایی حکایت می‌کند.

تأمین امکانات آموزشی از قبیل فضا، تجهیزات، مواد آموزشی و کمک آموزشی در هیچ یک از برنامه‌های توسعه - جز برنامه هفت ساله دوم - جزو هدف‌ها منظور نشده است. نداشتن برنامه‌ای برای تأمین امکانات آموزشی در برنامه‌های هفت ساله اول، پنج ساله سوم، اول غیرمصوب و پنج ساله دوم (۷۸-۱۳۷۴) کاملاً مشهود است و این نشان نقص

برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش می‌باشد. علی‌رغم این که جز در برنامه پنج ساله دوم (۷۸-۱۳۷۴) در تمامی دوره‌های برنامه‌ریزی، کمبود امکانات آموزشی خصوصاً فضا و تجهیزات آموزشی جزو مشکلات عمده نظام آموزش و پرورش بوده، باز هم در برنامه‌ریزی‌های توسعه آموزش و پرورش حل این‌گونه مشکلات مورد توجه جدی قرار نگرفته است.

۹- توجه به آموزش‌های خاص (آموزش عشایر، کودکان استثنایی، بزرگ سالان و مهدکودک)

بررسی اطلاعات مندرج در جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که آموزش‌های خاص در طول سابقه برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش ایران به طور جسته و گریخته مورد تأکید و توجه قرار گرفته است. نکته مهم در این بررسی این است که در هر برنامه، تلقی برنامه‌ریزان از آموزش‌های خاص متفاوت بوده و به نوع ویژه‌ای از این آموزش‌ها توجه شده است. برای مثال، آموزش خاص در برنامه هفت ساله اول با عنوان آموزش عشایر، در برنامه هفت ساله دوم با عنوان آموزش بزرگ سالان در برنامه سوم با عنوان کودکان کودکستان‌ها و مهدهای کودک و در برنامه ششم با عنوان آموزش مستمر و مداوم آمده است. توجه مقطعی، غیرمنسجم و ناهماهنگ به آموزش‌های خاص و نبود تعریفی جامع و مانع برای این‌گونه آموزش‌ها، از ویژگی‌های برنامه‌ریزی برای این نوع آموزش است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مطالعه و بررسی و تحلیل اهداف، سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها و مسائل و مشکلات آموزش و پرورش در هر یک از برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش از سال ۱۳۲۷ (سال شروع برنامه هفت ساله اول) تا سال ۱۳۷۴ (سال شروع برنامه پنج ساله دوم) نشان می‌دهد که برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش دارای خصوصیات زیر بوده‌اند:

۱. در تدوین برخی از اهداف برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش، ملاک‌های تدوین عطف رعایت نشده است. برخی از اهداف کلی، مبهم و غیرقابل سنجش بوده‌اند. لازم است در تهیه برنامه‌های آتی، اهدافی به عنوان هدف کلی برنامه انتخاب شوند که تحقق‌پذیر، روشن و قابل سنجش باشند. اگر هدف‌ها و اولویت‌های برنامه‌های توسعه به روشنی تدوین نشوند، اساس قابل قبولی برای ارزش‌یابی نتیجه کار در دست نخواهد بود.

۲. هماهنگی لازم بین اهداف، سیاست‌ها، خط‌مشی‌ها و مشکلات آموزش و پرورش برقرار نبوده و به عبارت دیگر، سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها گاه برگرفته از اهداف برنامه نبوده

است. در بعضی از برنامه‌ها مسائل و مشکلات عمده‌ای وجود داشته که رفع آن‌ها جزو اهداف یا سیاست‌های برنامه‌های بعدی منظور نشده است. به طور کلی، بین عناصر اصلی برنامه یعنی هدف‌های کلی (کیفی)، راهبردها (خط مشی‌های اساسی)، هدف‌های کمتی، سیاست‌های اجرایی و اقدامات عمده و نیز منابع موجود رابطه منطقی و عملیاتی ضعیفی برقرار است.

۳. در اکثر برنامه‌های توسعه، ابزار و راهکارهای ارزیابی از عملکرد و میزان تحقق اهداف و سیاست‌های برنامه پیش‌بینی نشده است و چنانچه جسته و گریخته مطالعه و ارزیابی‌ای هم به عمل آمده باشد، مشخص نیست که رابطه بین ارزیابی و استفاده از آن در اصلاح، بهبود یا تغییر برنامه چگونه برقرار می‌گردد. برنامه‌های آموزش و پرورش باید به طور مستمر و مداوم مورد ارزیابی، بازبینی، تغییر و اصلاح قرار گیرند. این ارزیابی باید هم به صورت تکوینی باشد و هم در پایان هر برنامه انجام گیرد و در نهایت موجب تعدیل هدف‌های بلند پروازانه، حذف هدف‌های نامتناسب، تغییر سیاست‌های ناکارآمد و پیشنهاد راه‌های اثربخش‌تر برای اجرای عملیات برنامه باشد.

آنچه تاکنون انجام گرفته، ارزیابی برنامه به برنامه بوده است. به عبارتی دیگر، در پایان هر برنامه مواردی به عنوان ارزیابی از عملکرد بدون وجود معیار مشخصی ارائه شده است. در برنامه‌های پس از انقلاب، ارزیابی از برنامه با عنوان «مسائل و مشکلات عمده آموزش و پرورش در دوران تهیه برنامه» آمده و تاکنون ارزیابی جامعی که الگوی مشخصی داشته باشد و همه برنامه‌ها را با هم مورد بررسی قرار دهد، انجام نشده است.

مهم‌ترین نکته در مورد ارزیابی این است که رابطه بین مراحل تدوین، اجرا و ارزش‌یابی از عملکرد برنامه روشن نیست. با توجه به این‌که نظام برنامه‌ریزی کشور متمرکز است و برنامه‌های نهایی در سازمان برنامه و بودجه تدوین می‌شود و باید توسط سازمان‌های ذی‌ربط (در مورد برنامه بخش آموزش و پرورش در وزارت آموزش و پرورش) اجرا گردد، لذا رابطه بین نهاد تدوین‌کننده و نهاد اجراکننده برنامه و چگونگی انجام ارزش‌یابی و تعیین مسؤلیت ارزش‌یابی و کاربرد نتایج آن در اصلاح، بهبود و تغییر برنامه اهمیت فوق‌العاده زیادی دارد. امری که به نظر می‌رسد در برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش کم‌تر به آن توجه شده است.

۴. گسترش تحقیقات آموزشی در سطح وزارتخانه و استان‌ها، توجه جدی به بازنگری، اصلاح و تغییر نظام آموزشی، تشکیل شوراهای آموزش و پرورش در استان‌ها و تلاش برای تمرکززدایی، از ویژگی‌های بارز برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش پس از انقلاب اسلامی است.

۵. برنامه‌ریزی‌های توسعه آموزش و پرورش اغلب کوتاه مدت بوده و عنصر آینده‌نگری نسبتاً جامع در آن‌ها مشاهده نشده است. هر چند اسناد برنامه‌های عمران و توسعه در پنجاه

سال اخیر حاوی نوعی برنامه‌ریزی و نیز پیش‌بینی‌های بلندمدت ۱۰ و ۲۰ ساله است. برای نمونه برنامه بیست ساله تعلیمات ابتدایی همگانی در ایران در سال ۱۳۴۰ و برنامه ده ساله (به صورت دو برنامه پنج ساله پنجم و ششم قبل از انقلاب اسلامی) اما این پیش‌بینی‌های بلندمدت عملاً جنبه اجرایی به خود نگرفته و تحقق نیافته‌اند. تداوم نیافتن اهداف در برنامه‌های پی در پی تا حصول اهداف مورد نظر و شدت و ضعف در تأکید بر یک هدف به خصوص در طول دوران‌های برنامه‌ریزی نشانگر این است که نوعی نگرش نظام دار، جامع و دورنگر در تدوین اهداف و خط‌مشی‌های برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش هیچ‌گاه وجود نداشته است.

۶. بررسی روند تاریخی مسائل و مشکلات آموزش و پرورش در هر دوره از برنامه‌ریزی نشان می‌دهد که برخی از مسائل که در دوران تهیه اولین برنامه توسعه آموزش و پرورش (سال ۱۳۲۷) وجود داشته است هنوز هم باگذشت پنجاه سال، از مسائل و معضلات عمده نظام آموزش و پرورش محسوب می‌شود. ادامه مشکلات ناشی از تمرکز شدید اداری، توجه به رشد کمی در مقابل توسعه کیفی، ناتوانی در جذب نیروی انسانی مستعد، بی‌سوادی شمار قابل ملاحظه‌ای از جمعیت بزرگ سالان کشور و... شاهد این مدعا است.

۷. بررسی اهداف برنامه‌های توسعه بخش آموزش و پرورش نشان می‌دهد که در انتخاب هدف‌ها، راهبردها و سیاست‌ها، بیش‌تر بر آرمان‌ها و ایده‌آل‌ها تأکید شده است تا رفع نارسایی‌های موجود و استفاده بهینه و اثربخش از امکانات موجود؛ بنابراین، ضروری است در برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش، بین ایده‌آل‌ها، اهداف غایی و شرایط واقعی و موجود جامعه و نظام آموزش و پرورش نوعی تعادل برقرار شود. به عبارت دیگر، ضمن رعایت اصول کلی، به مقتضیات زمان و شرایط محلی و... در تدوین اهداف و سیاست‌ها توجه کافی مبذول گردد.

۸. تأکید بر برنامه‌ریزی در سطوح کلان و عدم توجه به برنامه‌ریزی در سطوح استانی و منطقه‌ای؛ یکی از نارسایی‌های عمده برنامه‌ریزی توسعه در ایران مسأله تمرکز اداری و تصمیم‌گیری در سطوح کلان است. به گونه‌ای که به قابلیت‌ها و استعدادها و امکانات محلی توجه کافی نمی‌شود. هرچند این ویژگی بیش‌تر به برنامه‌های عمرانی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران مرتبط است و در تجربه برنامه‌ریزی پس از پیروزی انقلاب این امر کم و بیش مورد عنایت برنامه‌ریزان بوده، اما در تدوین هدف‌ها باید به گونه‌ای عمل کرد که نوعی ارتباط و هماهنگی مستمر و منسجم بین کلیه سطوح برنامه‌ریزی برقرار شود. به گونه‌ای که بتوان اهداف، سیاست‌ها و خط‌مشی‌های کلان برنامه را به سطح کوشش‌ها و فعالیت‌های روزمره ادارات آموزش و پرورش و مدارس انتقال داد.



منابع

- ۱- فرجاد، محمدعلی (۱۳۷۶): آموزش و پرورش تطبیقی، جلد اول، انتشارات رشد.
- ۲- علاقه‌بند، علی (۱۳۷۴): مقدمات مدیریت آموزشی (چاپ ششم) تهران، مؤسسه انتشارات بعثت، ص ۳۷.
- ۳- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۶۱): تعاریف اقتصادی، اجتماعی و واژه‌های برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی، معاونت برنامه‌ریزی و ارزش‌یابی، تهران، ص ۱۰.
- ۴- گروه مشاوران یونسکو (۱۳۷۳): فرآیند برنامه‌ریزی آموزشی، ترجمه فریده مشایخ، تهران، انتشارات مدرسه.
- ۵- ساخاراپولوس، جرج و مورین وودهاال (۱۳۷۰): آموزش برای توسعه، ترجمه پریدخت وحیدی و حمید سهرابی، تهران، سازمان برنامه و بودجه.
- ۶- سیدجوادین، سیدرضا (۱۳۷۳): برنامه‌ریزی نیروی انسانی، تهران، انتشارات دانشکده‌ی مدیریت دانشگاه تهران، ص ۷۴.
- ۷- معینی، صفری (۱۳۷۰): فرهنگ واژه‌ها و اصطلاحات مدیریت و سازمان، تهران، وزارت کشاورزی.
- ۸- وزارت آموزش و پرورش (۱۳۷۴): دستورالعمل برنامه‌ریزی آموزشی، معاونت آموزش متوسطه.
- ۹- صافی، احمد (۱۳۷۵): سازمان و قوانین آموزش و پرورش ایران، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، ص ۹۶.
- ۱۰- نفیسی، عبدالحسین (۱۳۷۵): هشت سال تلاش، گزارش دستاوردها، مشکلات، برنامه‌های آینده و چشم‌انداز آموزش و پرورش، وزارت آموزش و پرورش، معاونت برنامه‌ریزی و نیروی انسانی، ص ۲۷.

* فهرست اسناد و مدارک مربوط به برنامه‌های نه‌گانه توسعه آموزش و پرورش ایران که در این مقاله مورد استفاده قرار گرفته‌اند به شرح زیر است:

* Overseas Consultants. INC. (1949) "Report on Seven Year Development Plan for the Plan Organization of the Imperial Government of Iran". Vol 2. New York.

* امور اقتصادی سازمان برنامه (۱۳۴۰)؛ گزارش مقدماتی برنامه عمرانی سوم ایران، تهران، ص ۷۵.

* امور اقتصادی سازمان برنامه (۱۳۴۰)؛ گزارش مقدماتی برنامه سوم فرهنگ، قسمت امور اجتماعی، تهران، ص ۲.

* سازمان برنامه (۱۳۴۳)؛ گزارش اجرای برنامه هفت ساله دوم، تهران، ص ۵۷.

* سازمان برنامه (۱۳۴۷)؛ برنامه چهارم عمرانی کشور (۵۱-۱۳۴۷) تهران، ص ۲۳۸.

* سازمان برنامه و بودجه (۱۳۵۳)؛ خلاصه تجدید نظر شده برنامه پنجم عمرانی کشور (۵۶-۱۳۵۲) تهران، ص ۱۶۵.

* مؤسسه تحقیقات و برنامه ریزی علمی و آموزشی (۱۳۵۵)؛ سنجش عملکرد آموزش و پرورش در برنامه‌های چهارم و پنجم و پیشنهاد هدف‌ها، خط مشی‌ها و برنامه‌های آموزش و پرورش در برنامه ششم عمرانی، تهران، ص ۷.

* مؤسسه تحقیقات و برنامه ریزی علمی و آموزشی (بی تا)؛ گزارش خط مشی‌های اساسی بخش آموزش در برنامه ششم عمرانی به دهمین کنفرانس ارزش یابی انقلاب آموزشی کشور، تهران، ص ۱.

* سازمان برنامه و بودجه (۱۳۶۸) برنامه توسعه بخش آموزش و پرورش عمومی ۷۲-۱۳۶۸، جلد دوم، اهداف، راهبردها، سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی، معاونت امور اجتماعی.

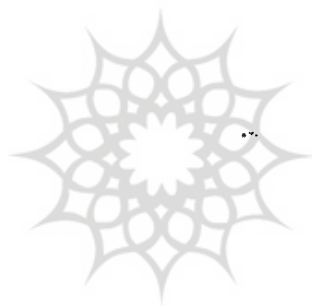
* سازمان برنامه و بودجه (۱۳۶۸)؛ برنامه توسعه بخش آموزش و پرورش عمومی ۷۲-۱۳۶۸، جلد سوم، خلاصه بررسی عملکرد و وضع موجود و برنامه کلان توسعه آموزش و پرورش عمومی بر حسب استان‌ها؛ معاونت امور اجتماعی.

* سازمان برنامه و بودجه (۱۳۶۸)؛ برنامه توسعه بخش آموزش و پرورش عمومی ۷۲-۱۳۶۸، جلد چهارم، روش برنامه ریزی توسعه بخش آموزش و پرورش عمومی در برنامه اول توسعه، معاونت امور اجتماعی.

* سازمان برنامه و بودجه، (۱۳۶۹)؛ پیوست قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۶۸-۱۳۷۲) صص ۱۸-۹.

* سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۱)؛ بررسی مسائل و ارزیابی عملکرد برنامه‌های سوادآموزی در ایران، دفتر امور آموزشی عمومی و فنی و حرفه‌ای، ص ۵۰.

* سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۲)؛ پیوست لایحه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۷۸-۱۳۷۲)، بخش آموزش، ص ۱.



پښتونستان ښار
پښتونستان ښار
پښتونستان ښار